انجنیر سید مختار دریا

۱۲ اپریل ۲۰۱۹

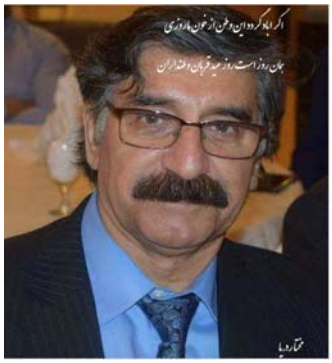

داغ دل

لاله سان این سینه پر داغ است و کس آگاه نیست
در غمستان وجـودم کـس مـرا همـراه نیست

صـد نیستان نالـه در هـر تار دل خوابیـده است
مطرب امشب مست و از درد دلـم آگاه نیست

سـازما بگسسته تار و مطرب ما مست و منگ
شـد یقینم نغمه ها شـور افگـن و دلخـواه نیست

از ربـاب خاطـرم تـال و سُـر شیـریـن مخـواه
پـرده گر لـرزش ندارد نغمـه ها جانـکاه نیست

رفتـه چـون کیفیت آهنـگ و سُر از ایـن میـان
زیر و بم یکجا و سرگم ها به هم همـراه نیست

از کـریـه، آوازصـوت دلـربا هـرگـز مخـواه
حنجـــر نـا قـابـل از فـــن غنـــا آگـاه نیست

خـون مینـــا ریخـت تیـغ محتسب دانسته است
چون دراین میخانه جرأت مرده و خونخواه نیست

گـرچه داس چـرخ ببـریـده سـت تاج سـاقـه ام
لیک بر آن دلخوشم چون خـرمنم بیـکاه نیست

شعلـــهٔ ما در مقـام دادخـواهـی سـر کـش است
این شرر پیوسته سوزان باشـد و گمـراه نیست

گرچه دریـا در دلش صدها خروش خفتـه است
آنکـه درکش میکنـد در هر گـه و بیـگاه نیست

"مختار دریا" کانادا ۹ جولای ۲۰۱۶